

اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر ارتقای نظریه ذهن در نوجوانان پرخاشگر

علی فرهادی¹، * یزدان موحدی²، امیر عزیزی³، فضل الله قاسمی کلی⁴، کلثوم کریمی نژاد⁵

1. استادیار گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، 2. دانشجوی دکتری علوم اعصاب‌شناختی دانشگاه تبریز، 3. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه لرستان، 4. کارشناس ارشد علوم تربیتی (برنامه ریزی درسی) دانشگاه آزاد اسلامی، 5. کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علوم پزشکی لرستان

(تاریخ وصول: 93/01/22 - تاریخ پذیرش: 93/06/09)

The effectiveness of social skills training on promoting the theory of mind in aggressive adolescents

Ali Farhadi¹, *Yazdan Movahedi², Amir Azizi³, FazlullahGhasemiKeli⁴, Kolsoum Kariminezhad⁵

Medical Sciences, Lorestan University of Medical Sciences, 2. Ph.D. Student of 1. Assistant Professor of 3. Ph.D. Student of general psychology, Tabriz University, 4. Cognitive Neuroscience, Tabriz University, Master of Education Science, Islamic Azad University, 5. M.A of family counseling, Lorestan University of Medical Sciences

(Received: Apr. 11, 2014 - Accepted: Aug. 31, 2014)

Abstract

چکیده

Introduction: The present study was administrated to determine the effectiveness of social skills training on promoting the theory of mind in aggressive adolescents. **Method:** The statistical population consisted of male students of high schools in Bukan city in the academic year of 2014. The statistical sample included 40 students who had higher scores after completing the Buss and Perry Aggression Questionnaire. These students took part in the theory of mind test as well. The collected data were analyzed using the statistical test of multivariate variance. **Result:** The results of multivariate variance analysis indicated that social skills training in experimental group had a significant effect on promoting the theory of mind and decreasing aggression. **Conclusions:** It can be claimed that social skills training leads to decrease of aggression in adolescents.

Keywords: Social skills training, Theory of mind, Aggression.

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر افزایش نظریه ذهن در میان نوجوانان پرخاشگر انجام گرفت. روش: جامعه آماری پژوهش، شامل دانش‌آموزان مدارس پسرانه شهرستان بوکان در سال تحصیلی 1392 بود. نمونه آماری شامل 40 نفر از دانش‌آموزان، پس از تکمیل پرسشنامه پرخاشگری باس و پری، کسانی که نمره بالاتری را کسب کردند آزمون نظریه ذهن در اختیار آنان قرار داده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر ارتقای نظریه ذهن و کاهش پرخاشگری، در گروه آزمایشی به طور معناداری مؤثر بوده است. نتیجه‌گیری: می‌توان گفت آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث کاهش پرخاشگری نوجوانان می‌شود.

واژگان کلیدی: آموزش مهارت‌های اجتماعی، نظریه ذهن، پرخاشگری.

مقدمه

خویشتن و دیگران و پیش‌بین خوبی برای مهارت‌های اجتماعی می‌باشد (برک⁷، 2007).

از عوامل متعددی که بر نظریه ذهن تأثیر دارند می‌توان به زبان، توانایی‌های شناختی، بازی وانمود کردن، درک عقیده غلط، داشتن خواهر و برادر و تجربیات اجتماعی اشاره کرد (برک، 2007).

بر اساس نظریه شناختی، مهارت‌های ضعیف اجتماعی به رفتارهای اجتماعی ضعیف مربوط می‌شود. تحقیقات انجام شده با کودکان و نوجوانان حاکی از آن است که افرادی که چنین آموزش‌هایی را یاد گرفته بودند بهتر توانسته‌اند با مشکلات زندگی روزمره کنار بیایند. آنها یاد گرفتند تا راه حل‌ها و پیامدهای رفتاری بیشتری را پیش‌بینی کنند، بهتر با ناکامی‌ها و به تأخیر انداختن انتظارات کنار بیایند و کمتر از پرخاشگری برای تحقق سریع انتظارات خود استفاده می‌کنند. همچنین آموزش این مهارت‌ها در مراحل اولیه فرایند رشد (کودکی و نوجوانی) اثربخش‌تر از سایر مراحل است (سبیلو و ویشارت، 2008).

از سوی دیگر، تحقیقات متعددی تأثیر درک نظریه ذهن بر مهارت‌های اجتماعی را نشان می‌دهد (جنکینگز و آستینگتون⁸، 2000). به عنوان مثال توماسلو و راکوچی⁹ (2003؛ به نقل از برگ، 2007) بیان می‌دارند که آگاهی از دنیای ذهنی زمینه را برای شکل‌های جدیدی از ارتباط نظیر توجه مشترک، ارجاع اجتماعی، حرکات ایما و اشاره پیش کلامی و زبان گفتاری آماده می‌کند. این مهارت‌های

شناخت اجتماعی شامل همه مهارت‌های مورد نیاز کودک برای این که تمایلات، هیجانات و احساسات دیگر کودکان و بزرگسالان را درک کند، شناخته می‌شود (سبیلو و ویشارت¹، 2008). اخیراً برخی مطالعات به بررسی سازه‌های شناخت اجتماعی نظیر ادراک شخص، مهارت‌های پذیرش نقش و نظریه ذهن پرداخته‌اند (گریدی و کیتلی²، 2002). سازه اخیر یعنی نظریه ذهن یکی از بحث برانگیزترین موضوعات مطرح در روان‌شناسی می‌باشد (تیلور و کیندرمن³، 2002). نظریه ذهن توانایی درک افکار و احساسات دیگران براساس استنباط حالات ذهنی است (دالگرن⁴ و همکاران، 2010). داشتن نظریه ذهن ما را قادر به شناخت هیجانات، درک باورها و امیال و پیش‌بینی و تبیین رفتارهای دیگران می‌سازد (بودن⁵ و همکاران، 2010).

فلاول⁶ و همکاران (1993) با حمایت از دیدگاه رشدی در مورد نظریه ذهن، معتقدند نظریه ذهن دارای سه سطح است که عبارتند از سطح اول نظریه ذهن که همان شکل‌گیری نظریه مقدماتی است، سطح دوم که در آن یک نظریه ذهن واقعی، ولی اولیه شکل گرفته است و سطح سوم که جنبه‌های پیشرفته نظریه ذهن نظیر درک شوخی و قضاوت‌های پیچیده را شامل می‌شود. درک عقیده غلط اولیه و درک عقیده غلط ثانویه (سطح دوم و سوم نظریه ذهن) ابزار قدرتمندی برای درک

1. Cebula, K.R. & Wishart, J.G.
2. Grady, C.L. & Keightley, M.L.
3. Taylor, L.J. & Kinderman, P.
4. Dahlgren, S.
5. Bodden, M.E.
6. Flavell, J.H.

7. Berk, L.

8. Jenkins, J.M. & Astington, J.W.

9. Tomaslov & Rakuchy

حفظ می‌کنند، دوستی و صمیمیت با همسالان را گسترش می‌دهند، سازگاری رضایت‌بخشی را در مدرسه ایجاد می‌کنند و به افراد اجازه می‌دهند تا خود را با شرایط موجود وفق داده و تقاضاهای محیط اجتماعی را بپذیرند (گرشام³ و همکاران، 2001). به طور کلی مفهوم مهارت اجتماعی یکی از موضوعات مورد بررسی در شناسایی مهارت‌هایی است که کمبود آنها می‌تواند پیامدهای زیانباری از جمله ناهنجاری‌ها، مشکلات شخصیتی، عاطفی و اختلالات رفتاری همچون پرخاشگری را به دنبال داشته باشد (سگرین و تیلور⁴، 2007).

به نظر می‌رسد آموزش مهارت‌های اجتماعی با تأکید بر افزایش روابط بین فردی، توانایی بهتر مدارا با طرد شدن، ناکامی و استرس باعث کاهش رفتارهای پرخاشگرانه می‌گردد (سادوک و سادوک، 2007). جانسون⁵ و جانسون (2000) پیامدهای سودمند آموزش مهارت‌های اجتماعی را (1) رشد فردی و هویتی، (2) موفقیت در موقعیت‌های شغلی، (3) بهبود کیفیت زندگی، (4) سلامت فیزیکی، (5) سلامت روانی، (6) توانایی روبرو شدن با استرس و موقعیت‌های خشم برانگیز بر شمردند.

امروزه شواهد بسیاری بدست آمده است که نشان می‌دهد آموزش مهارت‌های اجتماعی اساسی با کاهش رفتار پرخاشگرانه ارتباط دارد. گرشام و همکاران (2006) در پژوهشی مهارت‌های اجتماعی را به عنوان رفتارهای جایگزین برای دانش‌آموزان در معرض خطر پیشنهاد داده‌اند. آنها پس از آموزش مهارت‌های اجتماعی در 12 هفته به کودکان و نوجوانان پرخاشگر که از اختلالات رفتاری و

اجتماعی به نوبه خود، آگاهی ذهنی کودکان را افزایش می‌دهند. رسچیز و پریرز پری‌پرا¹ (2007) (2007) در پژوهشی ارتباط توانایی‌های ارتباطی - تعاملی و نظریه ذهن کودکان پیش دبستانی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که تفاوت معناداری در توانایی ارتباطی و مهارت‌های اجتماعی بین آزمودنی‌هایی که به نظریه ذهن دست یافته‌اند و آنهایی که دست نیافته‌اند، وجود دارد.

از سوی دیگر، رفتار پرخاشگرانه در انسان‌ها به شکل اعمال خشن نسبت به دیگران فرض می‌شود، که ممکن است موجب اجتناب دیگران یا مقابله به مثل بسیاری از آنان گردد. پرخاشگری تأثیری مخرب بر شایستگی اجتماعی، کارآمدی و روابط بین فردی دارد و از شکل‌گیری هویت سالم جلوگیری می‌کند (سادوک² و سادوک، 2007). یکی از دلایل عمده اقدام افراد به رفتارهای پرخاشگرانه مکرر، فقدان مهارت‌های اجتماعی اساسی است. از آنجایی که برخی از افراد راه مکالمه مؤثر را نمی‌دانند، راه نادرست برای ابراز وجود را انتخاب می‌کنند. ناتوانی آنها برای انجام کارهای ساده‌ای مانند درخواست، مذاکره و شکوه و شکایت غالباً موجب ناراحتی دوستان، آشنایان و بیگانگان می‌گردد. این نقص‌های اجتماعی شدید موجب می‌گردد که مکرراً احساس ناکامی کرده و نسبت به کسانی که با آنان رابطه مستقیم دارند خشمگین و پرخاشگر شوند. یکی از روش‌های کاستن از تکرار رفتار خشنوت‌آمیز چنین افرادی آموزش مهارت‌های اجتماعی به آنهاست (سادوک و سادوک، 2007).

مهارت‌های اجتماعی مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که روابط اجتماعی مثبت و مفید را آغاز و

3. Ghamrani, A.

4. Segrin, C. & Taylor, M.

5. Johnson

1. Resches, M. & Perez-Pereira, M.

2. Sadock

و سطوح مختلف آن (درک امیال و عواطف، درک باور غلط اولیه و درک باور غلط ثانویه) در نوجوانان پرخاشگر در میان دانش‌آموزان پسر انجام شد.

روش

در این پژوهش، از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل با انتساب تصادفی استفاده شد و دانش‌آموزان دبیرستانی به صورت تصادفی انتخاب و در گروه‌های آزمایش و کنترل گمارده شدند. آزمودنی‌های این پژوهش شامل دو گروه از دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهرستان بوکان در سال 1392 بودند که به وسیله پرسشنامه پرخاشگری، شناسایی شدند. یک گروه از این آزمودنی‌ها در معرض آموزش مهارت‌های اجتماعی قرار گرفتند و یک گروه به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شد و هیچ‌گونه مداخله‌ای برای آنها اجرا نشد. آموزش مهارت‌های اجتماعی به عنوان متغیر مستقل برای گروه آزمایش اعمال شد و ارتقای نظریه ذهن و کاهش پرخاشگری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند. برای هر دو گروه پیش‌آزمون و سپس ده روز بعد از اعمال مداخله نیز پس‌آزمون اجرا شد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهرستان بوکان بودند که از میان آنها ابتدا به صورت تصادفی 380 دانش‌آموز پرسشنامه پرخاشگری را تکمیل نمودند. تعداد 86 نفر از این دانش‌آموزان که طبق نمره برش در سطح بالایی از پرخاشگری قرار داشتند انتخاب شدند و آزمون نظریه ذهن در اختیار آنان قرار داده شد، سپس 40 دانش‌آموز پرخاشگر که از نظریه ذهن پایین‌تری برخوردار بودند به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و بعد از جلب رضایت آزمودنی‌ها و

عاطفی رنج می‌بردند، خاطر نشان ساختند که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر مهار خشم و پرخاشگری، دوستیابی، ارتباط و ابراز وجود مؤثر بوده است. همچنین نانگل¹ و همکاران (2002) در پژوهشی با عنوان آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان و نوجوانان پرخاشگر به بررسی 50 پسر سیاهپوست پرداختند. این پژوهشگران معتقدند که می‌توان با ایجاد حساسیت و مسئولیت در کودکان از طریق آموزش فعالیت‌ها و مهارت‌های اجتماعی آنها را از خطر مبتلا شدن به رفتارهای ضداجتماعی رهانید. آنها از طریق آموزش مهارت روابط مثبت، مدیریت رفتار کودکان در معرض خطر و با ایجاد سرگرمی‌های اصلاحی توانستند پرخاشگری را در این کودکان تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش دهند. آدپو² (1999؛ به نقل از هراندز³، 2006) در پژوهشی نشان داد که به کودکانی که دارای رفتارهای گسلنده به خصوص پرخاشگری هستند، می‌توان به طور موفقیت‌آمیزی مهارت‌های اجتماعی را آموزش داد.

با توجه به اینکه با آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به ارتقای نظریه ذهن کمک کند تا از این طریق کودکان حالات ذهنی دیگران را درک کنند و از آن برای برقراری تعاملات اجتماعی استفاده کنند و بدین ترتیب می‌توان از بروز اختلالات رفتاری همچون پرخاشگری که به دلیل کمبود مهارت در برقراری تعاملات اجتماعی به وجود می‌آید، جلوگیری به عمل آورد؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر ارتقای نظریه ذهن

1. Nangle, Douglas, W.
2. Adedpo
3. Hernandez, H.

دیگران و مهارت معذرت‌خواهی کردن از دیگران و پذیرفتن عذرخواهی دیگران (نحوه کنار آمدن با انتقاد).

جلسه پنجم: تمرین بر روی نحوه تقاضا کردن از دیگران، ارائه الگو در مورد نحوه برخورد با شخصی که تقاضای ما را رد کرده است، دادن تکلیف در مورد تقاضا کردن و ارائه پاسخ‌های مناسب و مهارت‌های مربوط به ابراز احساسات مثبت و منفی و مهارت نه گفتن (تقاضا کردن و رد تقاضای غیر منطقی و غیر معقول).

جلسه ششم: تمرین بر روی شیوه‌های مبادله تعارف‌های روزمره، تمرین بر روی شروع گفتگو و ادامه مناسب و خاتمه آن. دادن تکلیف در مورد آغاز کردن گفتگو با دیگران و مهارت گوش دادن.

جلسه هفتم: تمرین بر روی نحوه ابراز احساسات، ارائه الگو در مورد نحوه بیان احساسات گوناگون، مانند شادی، خشم، اندوه و دادن تکلیف در مورد نحوه ابراز احساسات و مهارت‌های مربوط به درخواست کمک و کمک کردن به دیگران.

جلسه هشتم: جمع‌بندی و ارائه خلاصه‌ای از مطالب مطرح‌شده و ارزشیابی از نتایج جلسات و خودارزیابی (بازنگری مطالب گذشته و جمع‌بندی). در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات از دو ابزار استفاده شد:

آزمون نظریه ذهن: برای سنجش نظریه ذهن از نسخه ذهن‌خوانی از طریق چشم‌ها (کوهن، 1995) استفاده شد. فرم تجدید نظر شده این تست (فرم 36 آیتمی) شامل عکس‌هایی از ناحیه چشم هنر پیشه‌های زن و مرد است. با هر آیتیم چهار توصیف حالت ذهنی (یک حالت هدف و سه حالت

کسب رضایت آگاهانه، به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از اینکه آزمودنی‌ها بیماری خاص روان‌شناختی یا پزشکی نداشته باشند و اینکه پسر باشند. ملاک خروج هم عبارت بود از عدم تمایل آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش بعد از انتخاب گروه‌های نهایی پژوهش، از آزمودنی‌های دو گروه خواسته شد که در یک جلسه توجیهی شرکت کنند. در این جلسه با تشریح اهداف پژوهش سعی شد که انگیزه و موافقت لازم مراجعان برای شرکت در پژوهش جلب شود. فرم موافقت برای همکاری در پژوهش توسط مراجعان تکمیل شد و پژوهشگران به مراجعان این اطمینان را دادند که کلیه مطالب ارائه شده در جلسات درمانی و نتایج پرسشنامه‌ها محرمانه خواهد بود.

گروه آزمایش 8 جلسه درمانی 90 دقیقه‌ای را به صورت گروهی دریافت کردند. لازم به ذکر است که این مداخله توسط یک کارشناس ارشد انجام شد.

جلسه اول: معارفه و آشنایی با اعضای گروه، بیان مقررات گروه و آموزش مهارت‌های کلامی و غیر کلامی.

جلسه دوم: آموزش ابراز وجود و تفاوت آن با رفتار پرخاشگراانه.

جلسه سوم: کنترل خشم و تمرین در مورد انتقادپذیری، ارائه الگو در مورد نحوه برخورد مناسب و مؤثر با انتقاد، دادن تکلیف در مورد کنار آمدن و قبول انتقاد و مهارت حل مسأله و مقابله با ناکام.

جلسه چهارم: بحث در خصوص اینکه چرا باید انتقاد کنیم، تکلیف در مورد ارائه بازخورد به

بعدی است. در این رویکرد فرد در هر یک از ابعاد پرخاشگری؛ مانند، پرخاشگری بدنی - کلامی، خشم، رنجش و بدگمانی نمره ویژه‌ای به دست می‌آورد. سامانی (2007)؛ به نقل از اسکندری، (2010) روایی این پرسش‌نامه را برای کاربرد پژوهشگران و متخصصان بالا اعلام کرد. ضریب پایایی این پرسشنامه نیز به روش بازآزمایی، بعد از گذشت دو هفته برابر با 0/78 بود. نتایج پژوهش هریس (1997)؛ به نقل از اسکندری، (2010) نیز نشان داده است که دامنه ضریب آلفای کرونباخ، برای چهار عامل این پرسشنامه، 0/70 تا 0/82 بوده که در پژوهش محمدی (1385)؛ به نقل از اسکندری، (2010) نیز، با دامنه ضریب اعتبار 0/70 تا 0/82 تکرار شده است.

سپس نمره افراد در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر دو پرسشنامه محاسبه و با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیره (نرم‌افزار SPSS 16) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

پس از اجرای آموزش مهارت‌های اجتماعی از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد و سپس داده‌های مرتبط با پیش‌آزمون و پس‌آزمون استخراج شد. در جدول 1 نتایج مربوط به آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) دو گروه آزمایش و کنترل در شرایط پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان داده شده است.

انحرافی با همان ارزش هیجانی) ارایه می‌شود. تنها با استفاده از اطلاعات بینایی از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود کلمه‌ای که بهترین توصیف‌کننده فکر یا احساس چشم‌هاست را انتخاب کنند. برای نمره‌گذاری به هر جواب صحیح نمره یک تعلق می‌گیرد و نمرات بین دامنه صفر و 36 قرار می‌گیرند. نمره بین 22-30 نشانگر نظریه ذهن متوسط، نمره کمتر از 22 نشانگر نظریه ذهن پایین و نمره بالاتر از 30 نشانگر نظریه ذهن بالاست. ضریب آلفای کرونباخ این آزمون 0/73 است.

مقیاس پرخاشگری باس و پری¹: این

پرسشنامه دارای 27 سؤال پنج گزینه‌ای می‌باشد که 4 عامل رفتاری خشم، پرخاشگری بدنی - کلامی، رنجش و بدگمانی را ارزیابی می‌کند. در این پرسشنامه، گزینه‌ها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که جایگاه فرد را در هر پرسش، روی یک مقیاس پنج نقطه‌ای از 1 (کاملاً متفاوت از خصوصیات من است)، تا 5 (کاملاً شبیه خصوصیات من است)، مشخص می‌کند (سامانی، 2007)؛ به نقل از اسکندری، (2010). پژوهشگران برای نمره‌گذاری این پرسشنامه از دو روش استفاده کرده‌اند. نخستین روش بر این فرض استوار بوده است که کل پرسش‌ها، منعکس‌کننده یک سازه واحد هستند، که تعیین‌کننده گرایش کلی فرد برای انجام رفتار پرخاشگرانه است. در این روش با جمع‌کردن پاسخ‌های فرد نمره کلی پرخاشگری به دست می‌آید. روش دوم بر دیدگاهی مبتنی است که پرخاشگری یک مفهوم چند

1. Buss & Perry

بزدان موحدی و همکاران: اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر ارتقای نظریه ذهن در نوجوانان پرخاشگر

جدول 1. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در دو گروه کنترل و آزمایش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون.

متغیر	گروه‌ها	N	میانگین پیش‌آزمون	انحراف استاندارد پیش‌آزمون	میانگین پس‌آزمون	انحراف استاندارد پس‌آزمون
نظریه ذهن	آزمایش	18	21/22	1/43	26/00	1/08
	کنترل	18	20/97	1/65	20/50	1/58
بدنی	آزمایش	18	25/33	3/39	21/50	3/16
	کنترل	18	26/00	2/65	25/09	2/44
خشم	آزمایش	18	20/07	2/84	16/77	2/71
	کنترل	18	20/85	2/77	19/88	1/60
خصوصیت	آزمایش	18	22/77	3/20	19/66	3/23
	کنترل	18	23/33	2/40	22/66	1/81
کلامی	آزمایش	18	17/77	2/39	15/05	2/33
	کنترل	18	16/11	2/60	16/27	2/24

همان‌گونه که در جدول 1 ملاحظه می‌شود بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل و آزمایش تفاوت مشاهده می‌شود.

برای نشان‌دادن معناداری تفاوت بین نمرات فوق از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. قبل از انجام تحلیل واریانس چند متغیره ابتدا مفروضه‌های لازم برای انجام تحلیل واریانس بررسی گردید. بررسی همگنی واریانس‌ها نشان می‌دهد که معناداری

آزمون لون در نمره نظریه ذهن و مؤلفه‌های پرخاشگری بیشتر از 0/05 است. با توجه به این امر، پیش فرض همگنی واریانس‌های خطا در گروه‌های مورد مطالعه محقق شده است. بررسی همگنی شیب خط رگرسیون نیز از معنادار نبودن تعامل شرایط و پیش‌آزمون حمایت می‌کند. بنابراین می‌توان از تحلیل واریانس چند متغیره برای تحلیل نمرات آزمون فوق استفاده کرد.

جدول 2. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری بر تفاضل نمره‌های پس‌آزمون - پیش‌آزمون متغیرهای وابسته در گروه‌های آزمایش و کنترل.

منبع	آزمون	ارزش	F	Df فرضیه	Df خطا	سطح معنی‌داری
گروه	اثر پیلاپی	0/878	43/35	5	30	0/001
	لامبدای ویلکز	0/122	43/35	5	30	0/001
	اثر هتلینگ	7/22	43/35	5	30	0/001
	بزرگترین ریشه روی	7/22	43/35	5	30	0/001

آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/001$).

جدول 2 نشان می‌دهد که سطوح معنی‌داری همه آزمون‌ها قابلیت استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره را مجاز می‌شمارند؛ بدین معنی که بین

جدول 3. نتایج تحلیل واریانس بر نظریه ذهن و مؤلفه‌های پرخاشگری.

منبع	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
گروه	نظریه ذهن	211/51	1	211/51	116/08	0/001
	بدنی	56/79	1	56/79	47/36	0/001
	خشم	54/14	1	54/14	47/66	0/001
	خصوصیت	37/13	1	37/13	31/57	0/001
	کلامی	36/76	1	36/76	28/27	0/001
خطا	نظریه ذهن	52/84	29	1/82		
	بدنی	34/77	29	1/19		
	خشم	32/93	29	1/13		
	خصوصیت	34/10	29	1/17		
	کلامی	37/70	29	1/30		

در مطالعه‌ای که مورگان و پیرسون (1994) در زمینه آموزش مهارت‌های اجتماعی انجام دادند، مشخص شد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر کاهش درگیری، پرخاشگری و ناسازگاری‌های کودکان با همکلاسی‌هایشان تأثیر دارد. بینرت و اشنایدر (1989؛ به نقل از لیبرمن، 2000) در پژوهشی دریافتند که برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی در افزایش ادراک خود اجتماعی و کاهش رفتارهای منفی و پرخاشگرانه کودکان نسبت به همسالان مؤثر بوده است؛ به طوری که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث بهبود توانایی و کیفیت در رفتار آنها می‌گردد. ماهان و همکاران (2004؛ به نقل از هرناوند، 2006) در مطالعه خود نشان دادند که هم آموزش مهارت‌های اجتماعی و هم برنامه مداخله شناختی - رفتاری در کاهش نرخ رفتارهای اغتشاشی و خشونت‌آمیز در کوتاه مدت و دراز مدت مؤثر بوده است. گرشام، باوون و کوک (2006) در پژوهشی مهارت‌های اجتماعی را به عنوان رفتارهای جایگزین برای دانش‌آموزان در معرض خطر پیشنهاد داده‌اند. آنها پس از آموزش مهارت‌های اجتماعی در 12 هفته

همان گونه که در جدول 3 مشاهده می‌شود، بین آزمودنی‌های گروه آزمایش و گروه کنترل تفاوت معنی‌داری در تمامی متغیرهای وابسته دیده می‌شود ($P < 0/001$).

نتیجه‌گیری و بحث

نتایج پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که کمبود مهارت اجتماعی به عنوان یک متغیر همبسته قوی، با افزایش پرخاشگری همواره مطرح بوده است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث کاهش پرخاشگری شده است، به طوری که آموزش مهارت‌های اجتماعی در کاهش پرخاشگری به طور معناداری مؤثر بوده است ($P < 0/001$). نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش مورگان و پیرسون¹ (1994)؛ بینرت و اشنایدر² (1989)؛ ماهان و همکاران (2004)؛ و گرشام، باوون و کوک (2006) مطابقت می‌کند.

1. Morgan, V. & Perarson, S.

2. Bynret & Schneider

به کودکان و نوجوانان پرخاشگر که از اختلالات رفتاری و عاطفی رنج می‌بردند، خاطر نشان ساختند که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر مهار خشم و پرخاشگری، دوستیابی، ارتباط و ابراز وجود مؤثر بوده است.

بنابراین با عنایت به تحقیقات متعددی که در زمینه تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی در گروه‌های گوناگون در راستای کاستن از رفتارهای خسونت آمیز انجام گرفته است؛ می‌توان بیان کرد که یکی از دلایل عمده اقدام افراد به رفتارهای پرخاشگرانه مکرر، فقدان مهارت‌های اجتماعی اساسی است و آموزش مهارت‌های اجتماعی در تنظیم و بهبود روابط بین فردی، پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری‌های صحیح و حل تعارض‌ها تأثیر فراوان دارد. دستیابی به این هدف‌ها عملاً امکان‌پذیر نیست، مگر آن که مهارت‌هایی از قبیل کنترل و تنظیم هیجان‌های منفی، حل مسأله، تصمیم‌گیری، تفکر و برقراری روابط بین فردی مناسب به افراد دارای رفتار خسونت آمیز آموزش داده شود (سادوک و سادوک، 2007).

همچنین، بر اساس نظریه تأثیر اجتماعی، فشار گروه همسالان، الگوپذیری از مدل‌های اجتماعی غلط و تأثیرپذیری از رسانه‌های گروهی یک عامل بسیار مؤثر در ایجاد رفتارهای مشکل‌آفرین است لذا رویکرد تأثیر اجتماعی، برنامه مهارت‌های اجتماعی را به عنوان یک آموزش اثربخش معرفی می‌کند تا پیش از این که نوجوان در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار بگیرد آنها را در رویارویی با این فشارهای مقاوم واکسینه نماید. این رویکرد اشاره می‌کند که ارائه برنامه آموزش مهارت‌های زندگی از طریق آموزش‌های عملی، تمرینی و مشارکتی مؤثرتر از ارائه

صرف اطلاعات یا ترساندن افراد از نتایج و پیامدهای رفتاری است (سبیلو و ویشارت، 2008).

همچنین نظریه ریسک و انعطاف تبیین می‌کند که چرا بعضی افراد نسبت به دیگران بهتر به تحمل فشارها و مشکلات روزمره زندگی پاسخ می‌دهند. نظریه انعطاف به عوامل درونی مانند عزت نفس، منبع کنترل درونی و مهارت‌های اجتماعی را مطرح می‌کند که فرد را در برابر خطرات فقر، اضطراب و سوء مصرف مواد، مقاوم می‌کند.

در پژوهش حاضر آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث ارتقای نظریه ذهن شد، به طوری که آموزش مهارت‌های اجتماعی در افزایش نظریه ذهن دانش‌آموزان پسر گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل به طور معناداری مؤثر بوده است ($P < 0/001$). شایسته است مطرح گردد که اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی در نظریه ذهن به بررسی کودکان اوتیسم (حیدری و همکاران، 2011)، عقب‌مانده‌های ذهنی (قمرانی و همکاران، 2006؛ انصاری‌نژاد و همکاران، 2012) و کودکان ناشنوا (حسن‌زاده و همکاران، 2007) پرداخته‌اند. در این خصوص می‌توان به یافته‌های توماسلو و راکوچی (2003)، رسچیز و پریز پری‌پرا (2007) و یاگمورلو و همکاران (2005) اشاره کرد که با نتایج پژوهش حاضر مبنی بر آموزش مهارت‌های اجتماعی در افزایش نظریه ذهن، مطابقت می‌کند. یافته‌های متعدد این محققان تأثیر صلاحیت درک نظریه ذهن بر مهارت‌های اجتماعی را نشان می‌دهد (جنکینگز و آستینگتون، 2000). به عنوان مثال توماسلو و راکوچی (2003)؛ به نقل از برگ، (2007) بیان می‌دارد که آگاهی از دنیای ذهنی زمینه را برای شکل‌های جدیدی از ارتباط نظیر توجه مشترک، ارجاع اجتماعی، حرکات ایما و اشاره پیش کلامی و

اجتماعی ناسالم نقش بسیار مهمی دارد. این مهارت برای برقراری مؤثر لازم است و منجر به برقراری روابط صمیمانه و تسهیل در ایجاد روابط بین گروه‌ها و صمیمیت بین فردی می‌شود.

به نظر می‌رسد مهارت‌های اجتماعی باعث افزایش نظریه ذهن می‌شود؛ لذا باید در امر آموزش مهارت‌های اجتماعی و افزایش مؤلفه‌هایی که موجب کاهش پرخاشگری و ارتقای نظریه ذهن می‌شوند، تلاش کرد. بدون شک افراد پرخاشگر نمی‌توانند ظرفیت‌های خود را در بستر جامعه به سطح مهارت و خودشکوفایی برسانند، به همین دلیل با بروز رفتارهای ناپخته و سازمان نیافته، ممکن است در آینده دچار سایر اختلالات رفتاری و عاطفی شوند؛ در حالی که اکتساب مهارت‌هایی که بیان افکار و احساسات را امکان‌پذیر می‌سازند، سبب غنای روابط بین فردی با دیگران در موقعیت‌های خانواده، مدرسه و اجتماع خواهد شد. لذا نتایج این پژوهش تلویحات مهمی در زمینه آموزش مهارت‌های اجتماعی و مداخلات درمانی برای کنترل پرخاشگری و ارتقاء آگاهی ذهنی به همراه دارد.

با توجه به اینکه پرخاشگری مسأله‌ای ناهمگن است که تحت تأثیر متغیرهای متعددی قرار دارد بی‌شک عوامل ارثی، روان‌شناختی و اجتماعی زیادی در بروز و تشدید آن نقش دارند و شاید یکی از مهمترین کاستی‌های این پژوهش، بررسی و آموزش صرف ابعاد مهارت اجتماعی اساسی و نادیده گرفتن سایر متغیرهای مؤثر در بروز پرخاشگری و ارتقای نظریه ذهن می‌باشد.

علاوه بر این پژوهش حاضر تنها بر روی دانش‌آموزان مدارس پسرانه شهرستان بوکان انجام شده و تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگر همسو با این

زبان گفتاری آماده می‌کند. این مهارت‌های اجتماعی به نوبه خود، آگاهی ذهنی کودکان را افزایش می‌دهند. رسچیز و پریرز پری‌پرا (2007) در پژوهشی ارتباط توانایی‌های ارتباطی - تعاملی و نظریه ذهن کودکان پیش دبستانی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که تفاوت معناداری در توانایی ارتباطی و مهارت‌های اجتماعی بین آزمودنی‌هایی که به نظریه ذهن دست یافته‌اند و آنهایی که دست نیافته‌اند، وجود دارد.

طبق یافته‌های یانگمورلو¹ و همکاران (2005) نظریه ذهن برای داشتن تمایلات اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی ضروری تلقی شده است و سایر مطالعات نشان داده است، نظریه ذهن با آن مواردی از قبیل پذیرش از سوی همسالان (اشلاتر و دنیس²، 2007)، شایستگی و کفایت اجتماعی (بوساکی و وایلد آستینگتون³، 1999) و رفتار اجتماعی (جنکینگز و آستینگتون، 2000)، در کودکان عادی مرتبط است. در نتیجه با آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌توان به ارتقای نظریه ذهن کمک کرد تا از این طریق کودکان با شناخت هیجانات، درک باورها، امیال و پیش‌بینی و تبیین رفتارهای دیگران، حالات ذهنی آنها را درک کنند و از آن برای برقراری تعاملات اجتماعی استفاده کنند.

می‌توان گفت که مهارت‌های اجتماعی به ایجاد روابط بین فردی مثبت و مؤثر فرد با دیگران کمک می‌کند. یکی از این موارد، توانایی ایجاد و ابقای روابط دوستانه است که در سلامت روانی و اجتماعی، برقراری روابط گرم خانوادگی به عنوان یک منبع مهم حمایت اجتماعی و قطع روابط

1. Yagmurlu, B.
2. Slaughter, V. & Dennis, M.J.
3. Bosacki, S. & Wilde Astington, J.

نظریه ذهن را جهت درک امیال و عواطف، درک باور غلط اولیه و ثانویه مورد بررسی قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌گردد در مطالعات بعدی پژوهشگران، اثر مداخلات شناختی - رفتاری را در کنترل خشم و مدیریت رفتاری پرخاشگری و ارتقای نظریه ذهن مورد ارزیابی قرار دهند.

موضوع متغیرهای دیگر تأثیرگذار بر پرخاشگری، به عنوان مثال مداخله با تأکید بر تخلیه هیجانی مؤثر، تقویت منفی، ایجاد واکنش‌های نامتجانس (هم‌حسی) را مدنظر قرار داده و تأثیر آن با سایر عوامل روان‌شناختی مؤثر بر نظریه ذهن همچون توانایی‌های شناختی و تجربیات اجتماعی و همچنین آموزش

منابع

- Ansarinezhad, S.; Movallali, G. & Adib Sereshki, N. (2012). (The effectiveness of Theory of Mind Training on the Promotion of Theory of Mind Levels in Educable Intellectual Disability (Text in Persian)). *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 1(2), P:105-120.
- Berk, L. (2007). *Development Through the Lifespan*, 4th ed.
- Bodden, M.E.; Dodel, R. & Kalble, E. (2010). (Theory of mind in parkinsons disease and related basal ganglia disorders: a systematic review). *movement disorder*, 25,1,13-27.
- Bosacki, S. & Wilde, Astington, J. (1999). (Theory of mind in preadolescence: Relations between social understanding and social competence). *Social Development*. 8(2):237-55.
- Cebula, K.R. & Wishart, J.G. (2008). *Social Cognition in Children with Down syndrome*. In M.G.Laraine (Ed.), *International Review of Research in Mental Retardation* (Volume 35ed., pp. 43-86). Academic Press.
- Dahlgren, S.; Dahlgren Sandberg, A. & Larsson, M. (2010). (Theory of mind in children with severe speech and physical impairments). *Research in developmental disabilities*, 31:617-624.
- Eskandari, F. (2010). *The role of family structure, parenting practices and adolescent perception of conflict between parents and their aggressiveness*. Master's thesis. Tabriz University. (In Persian).
- Flavell, J.H.; Miller, P.H. & Miller, S.A. (1993). *Cognitive development*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Ghamrani, A.; Alborzi, SH. & Khayer, M. (2006). (Validity and Reliability of the Theory of Mind Test (TOM Test) for Use in Iran (Text in Persian)). *Journal of Psychology*, 10 (2 (38)), P:181-199.
- Grady, C.L. & Keightley, M.L. (2002). Studies of altered social neuroimaging. *Canadian journal of psychiatry*, 47(4), 327-355.
- Gresham, F.M.; Van, M.B. & Cook, C.R. (2006). *Social skills training for teaching replacement behaviors: Remediating acquisition deficits in at-risk students*, <http://www.Proquest.com>.
- Gresham, F.M.; Watson, T.S. & Skinner C.H. (2001). (Functional behavioral assessment: Principles, procedures, and future directions). *School psychology Review*, 30,150-172.
- Haidari, T.; Shamive Isfahani, A. & Faramarzi, S. (2011). The Comparison Theory of Mind Dimension in Autism Children and Normal Children Isfahan City (Text in Persian). *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 12(3 (45)), P:64-70.
- Hassanzadeh, S.; Mohseni, N.; Afrouz, G.H.A. & Hejazi, E. (2007). (The Study of Cognitive Development in Deaf Children Based on Theory of Mind (Text in Persian)). *Research on Exceptional Children*, 7:1 (23), P:19-44.
- Hernandez, H. (2006). (Social skills training: a comparison of a 12-week training program to a 24-week training

- program). *European Neuropsychopharmacology*, 152: 152-5.
- Jenkins, J.M. and Astington, J.W. (2000). (Theory of mind and social -behavior: Causal models tested in a longitudinal study). *Merrill-Palmer Quarterly*; 46(2):203-20.
- Johnson, D. & Johnson, R. (2000). *Learning together and alone: cooperative, competitive, and individualistic learning*, Boston:Allyn and Bacon.
- Kako Jouybari, A.; Shaghaghi, F. & Baradaran, M. (2013). (Development of Social Cognition in theory of mind in children). *Social Cognition*. 1(2), 37-51.
- Liberman. (2000). *Social skill traning*. Press Pergaman.
- Morgan, V. & Perarson, S. (1994). (Social skills training a junior school setting). *Educational psychology in partice*. 10(2): pp: 99-108.
- Muris, P.; Steerneman, P.; Meesters, C.; Merckelbach, H.; Horselenberg, R.; van den Hogen, T. & van Dongen, L. (1999). (The TOM test: A new instrument for assessing theory of mind in normal children and children with pervasive developmental disorders). *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 29(1), P: 67-80.
- Nangle, Douglas, W.; Erdley, C.; Carpenter, E.M. & Newman, J.E. (2002). (Social skills training as a treatment for aggressive children and adolescents:a developmental-clinical integration). *Aggression and Violent Behavior*, Volume 7, Issue 2, 169-199.
- Resches, M. & Perez-Pereira, M. (2007). (Referential communication abilities and theory of mind development in preschool children). *Journal of Child Language*; 34(1):21.
- Sadock, B.J. & Sadock, V.A. (2007). *Synopsis of Psychiatry Bahavioural Science* (10th ed.). Lippincott Williams & Wilkins.
- Segrin, C, & Taylor, M. (2007). (Positive interpersonal relationships mediate of association between social skills and psychological well-being). *Personality And Individual Differences*; 43(4):637-46.
- Slaughter, V.; Dennis, M.J. & Pritchard, M. (2002). (Theory of mind and peer acceptance in preschool children). *British Journal of Developmental Psychology*. 20(4):545-64.
- Taylor, L.J. & Kinderman, P. (2002). (An analogue study of attribution complexity theory of mind deficits and paranoia). *British journal of psychology*. 140: 93-137.
- Yagmurlu, B. Berument, S.K. & Celimli, S. (2005). (The role of institution and home contexts in theory of mind development). *Journal of applieddevelopmental psychology*. 26(5):521